



# تاریخ اسلام در شبه قاره هند

(از آغاز ورود مسلمانان تا پایان حکومت گورکانیان)

دکتر محمود صادقی علوی  
استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
تابستان ۱۳۹۶

صادقی علوی، محمود، ۱۳۵۹-  
تاریخ اسلام در شبه قاره هند: از آغاز ورود مسلمانان تا پایان حکومت گورکانیان / محمود صادقی علوی؛ ویراستار سعیدرضا  
علی عسگری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.  
هشت، ۲۱۶ص: مصور، جدول. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۹۱: تاریخ: ۹۲)  
ISBN: 978-600-298-157-8  
بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال  
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه، ص. [۱۸۳] - ۱۹۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. از آغاز ورود مسلمانان تا پایان حکومت گورکانیان. ۲. اسلام - هند - تاریخ. ۳. Islam - India - History.  
الف. علی عسگری، سعیدرضا، ویراستار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.  
۲۹۷/۹۱۶۵۴ BP۱۶/۷/ص۲  
شماره کتابشناسی ملی ۴۶۸۹۸۱۹



## تاریخ اسلام در شبه قاره هند (از آغاز ورود مسلمانان تا پایان حکومت گورکانیان)

مؤلف: دکتر محمود صادقی علوی (استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام نور)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستاری: سعیدرضا علی عسگری

صفحه آرایشی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام» در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قابل استفاده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، آقای دکتر محمود صادقی علوی و نیز از ناظر محترم جناب آقای دکتر محمدحسین ریاحی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخ‌نویسی در شبه قاره هند

- ۱-۱. ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی ..... ۳
- ۲-۱. مذهب و جامعه ..... ۶
- ۳-۱. گذری بر تاریخ‌نویسی در شبه قاره هند، در دوره اسلامی ..... ۸
- ۱-۳-۱. تحقیق ما للهند ..... ۱۰
- ۲-۳-۱. برهان مآثر ..... ۱۱
- ۳-۳-۱. تاریخ فرشته ..... ۱۳
- ۴-۳-۱. تاریخ آصف جاهیان / گلزار آصفیه ..... ۱۵
- ۵-۳-۱. لب التواریخ هند / لب اللباب / تاریخ لب اللباب ..... ۱۷
- ۶-۳-۱. منتخب اللباب ..... ۱۸
- ۷-۳-۱. جهانگیرنامه / توزک جهانگیری ..... ۱۸
- ۸-۳-۱. اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند ..... ۱۹
- ۹-۳-۱. بادشاه‌نامه ..... ۲۱
- ۱۰-۳-۱. حدائق السلاطین فی کلام الخواقین ..... ۲۲
- ۱۱-۳-۱. تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه ..... ۲۳

### فصل دوم: عوامل نفوذ اسلام در هند

- ۱-۲. نفوذ اسلام در هند ..... ۲۷
- ۲-۲. ماهیت دین اسلام ..... ۲۷
- ۳-۲. تجارت ..... ۲۹
- ۴-۲. مهاجرت ..... ۳۳
- ۵-۲. تصوف و اسماعیلیه ..... ۳۴

۶-۲. مناسبات فرهنگی و اجتماعی شبه قاره هند با ایران ..... ۳۹

### فصل سوم: فتوحات مسلمانان در هند

۱-۳. دوره خلفا ..... ۴۱  
۲-۳. دوره امویان و عباسیان ..... ۴۲  
۳-۳. دوره غزنویان ..... ۴۴  
۴-۳. دوره غوریان ..... ۴۸

### فصل چهارم: حکومت‌های اسلامی دهلی

سلطین دهلی ..... ۵۳  
۱-۴. غلامشاهیان (سلطین مملوک) معزی یا شمسی ..... ۵۴  
۱-۱-۴. دوران تثبیت حکومت غلامشاهیان ..... ۵۵  
۲-۱-۴. غلامشاهیان در اوج قدرت ..... ۵۷  
۲-۴. خلجیان ..... ۵۸  
۱-۲-۴. تأسیس حکومت خلجیان ..... ۵۹  
۲-۲-۴. خلجیان در اوج قدرت ..... ۶۱  
۳-۲-۴. انقراض حکومت خلجیان ..... ۶۴  
۳-۴. تغلق شاهیان ..... ۶۵  
۱-۳-۴. تأسیس حکومت تغلق شاهیان ..... ۶۵  
۲-۳-۴. تغلق شاهیان در اوج قدرت ..... ۶۸  
۳-۳-۴. تغلق شاهیان در سراسیمبی نزول ..... ۶۹  
۴-۴. سلسله سادات، سلطین لودی و شاهان سوری ..... ۷۰  
۵-۴. سلطان‌نشین‌های تابع دهلی (جنپور، گجرات و مالوا) ..... ۷۱

### فصل پنجم: حکومت بهمنیان

۱-۵. تأسیس حکومت بهمنیان ..... ۷۵  
۱-۱-۵. اصلاحات داخلی علاءالدین حسن بهمنی ..... ۷۷  
۲-۱-۵. دوره پایانی حکومت علاءالدین حسن بهمنی ..... ۸۱  
۲-۵. دوران تثبیت حکومت بهمنیان ..... ۸۲  
۱-۲-۵. مقابله با ناآرامی‌های داخلی و خارجی ..... ۸۲  
۲-۲-۵. سازماندهی اداری، نظامی و مالی ..... ۸۴  
۳-۵. دوران طلایی حکومت بهمنیان ..... ۸۶  
۱-۳-۵. به حکومت رسیدن محمدشاه سوم ..... ۸۷  
۲-۳-۵. فتوحات خارجی ..... ۸۷  
۳-۳-۵. خواجه محمود گاوآن ..... ۹۰

۹۱	..... ۴-۳-۵. اصلاحات خواجه محمود گاوآن
۹۳	..... ۵-۳-۵. روابط فرهنگی و سیاسی محمود گاوآن با ایران و جهان
۹۷	..... ۴-۵. فروپاشی حکومت بهمنیان
۹۷	..... ۵-۴-۱. آفاقی‌ها و دکنی‌ها
۹۹	..... ۵-۴-۲. منازعات آفاقی-دکنی در دوره بهمنیان و جانشینان آنها
۱۰۸	..... ۵-۵. تشیع در دوره بهمنیان
۱۱۰	..... ۵-۶. فرهنگ و ادب فارسی در دوره بهمنیان
۱۱۰	..... ۵-۶-۱. پیشینه تاریخی روابط فرهنگی ایران و دکن
۱۱۱	..... ۵-۶-۲. عوامل گسترش ادبیات فارسی در دکن
۱۱۳	..... ۵-۶-۳. فرهنگ و ادبیات فارسی

### فصل ششم: حکومت‌های محلی دکن

۱۱۷	..... ۶-۱. تشیع در دکن
۱۱۷	..... ۶-۱-۱. علل گرایش حکومت‌های محلی دکن به تشیع
۱۱۹	..... ۶-۱-۲. حمایت حکومت‌های محلی از مذهب تشیع
۱۱۹	..... الف) قطب‌شاهیان
۱۲۳	..... علل داخلی
۱۲۴	..... علل خارجی
۱۲۵	..... ب) عادل‌شاهیان
۱۲۷	..... ج) نظام‌شاهیان
۱۲۹	..... ۶-۱-۳. پیشرفت تشیع در دکن
۱۳۵	..... ۶-۱-۴. مراسم مذهبی شیعیان
۱۳۷	..... - عزاداری ایام محرم
۱۳۹	..... - تعزیه
۱۴۰	..... - گردانیدن ضریح
۱۴۰	..... - نمایش عَلم
۱۴۲	..... - نمایش نعل
۱۴۳	..... - کوه مولا علی
۱۴۳	..... - جشن شب برات
۱۴۴	..... - جشن میلاد پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴۵	..... ۶-۱-۵. مناسبات سیاسی-مذهبی حکومت‌های شیعه دکن با صفویان
۱۵۹	..... ۶-۲. حکومت‌های سنی مذهب
۱۵۹	..... ۶-۲-۱. بریدشاهیان
۱۶۱	..... ۶-۲-۲. عمادشاهیان

## فصل هفتم: حکومت گورکانیان

- ۱-۷. تأسیس حکومت گورکانیان ..... ۱۶۳
- ۱-۷-۱. ظهیرالدین محمد بابر ..... ۱۶۴
- ۱-۷-۲. نصیرالدین محمد همایون ..... ۱۶۵
- ۲-۷. دوران اوج حکومت گورکانیان ..... ۱۶۷
- ۲-۷-۱. جلال‌الدین اکبر ..... ۱۶۷
- ۲-۷-۲. ابوالمظفر، نورالدین جهانگیر ..... ۱۷۱
- ۲-۷-۳. شاه‌جهان ..... ۱۷۳
- ۲-۷-۴. اورنگ‌زیب ..... ۱۷۶
- ۳-۷. زوال حکومت گورکانیان ..... ۱۷۹
- ۴-۷. روابط سیاسی گورکانیان و صفویان ..... ۱۷۹
- ۵-۷. زبان و ادبیات فارسی در دوره گورکانیان ..... ۱۸۰

## منابع و مأخذ

- نسخه‌های خطی ..... ۱۸۳
- کتاب‌ها و مقالات فارسی و عربی ..... ۱۸۴
- کتاب‌های اردو ..... ۱۹۲
- کتاب‌ها و مقالات لاتین ..... ۱۹۲
- سایت‌های اینترنت ..... ۱۹۴

## نمایه‌ها

- نمایه اشخاص ..... ۱۹۵
- نمایه مکان‌ها ..... ۲۰۹
- نمایه کتاب‌ها ..... ۲۱۵



## مقدمه

یکی از حوزه‌های جغرافیایی که اسلام در آن نفوذ کرده و از حوزه‌های بسیار با اهمیت در تاریخ اسلام به شمار می‌رود، منطقه شبه قاره هند است. شبه قاره هند با سرزمین ایران پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده و دیرینه‌ای داشته که در دوره اسلامی این پیوندها دوچندان شده‌اند. از این رو، مطالعه تاریخ اسلام در شبه قاره هند پیوند بسیار نزدیکی با تاریخ ایران در دوره اسلامی دارد. اهمیت این پیوند وقتی بارزتر می‌شود که بدانیم از نظر جغرافیایی، فلات ایران در حد فاصل شبه قاره هند و مرکز جهان اسلام، یعنی شبه جزیره عربستان قرار دارد؛ از این رو، نفوذ اسلام و حضور مسلمانان در منطقه شبه قاره، از راه زمینی از طریق ایران صورت گرفته و این امر باعث تأثیر گسترده ایرانیان مسلمانان در تاریخ شبه قاره هند در دوره اسلامی شده است.

به‌رغم اهمیت فراوان شبه قاره هند در تاریخ اسلام، آن‌گونه که باید و شایسته است، تاریخ این منطقه در دوره اسلامی توجه تاریخ‌پژوهان حوزه تاریخ اسلام، به‌ویژه محققان ایران را به خود جلب نکرده است. شاهد این مدعا کمبود آثار تألیفی در رابطه با تاریخ اسلام در شبه قاره هند است، به طوری که تاکنون یک منبع نسبتاً جامع که پاسخگوی دو واحد درسی، درس تاریخ اسلام در شبه قاره هند، برای رشته‌های تاریخ و تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی باشد، تألیف نشده است و بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها آشنایی چندانی با تاریخ اسلام در این منطقه ندارند. هر چند به تازگی تا حدودی توجه به این حوزه از تاریخ اسلام بیشتر شده است، اما باز هم متونی که تاکنون در این رابطه تألیف شده‌اند، بیشتر متونی هستند که به قسمتی از تاریخ اسلام در شبه قاره هند پرداخته‌اند.

از آنجا که حوزه مطالعات نگارنده، تاریخ اسلام در شبه قاره هند بوده و همواره جای چنین پژوهشی را در میان متون و تألیفات تاریخ اسلام خالی می‌دیده، اهتمام به این مهم را مورد توجه قرار داده است. در این اثر بر تاریخ اسلام در شبه قاره هند از آغاز ورود اسلام به این منطقه تا پایان دوره حکومت گورکانیان، با تأکید بر تاریخ تشیع و همچنین تأثیر ایرانیان در تاریخ و فرهنگ شبه قاره هند در دوره اسلامی، توجه شده است. در قسمت‌های مختلف کتاب سعی شده تا در بیان تاریخ هر دوره، از مهم‌ترین منابع آن دوره استفاده شود. اگرچه، گستردگی حجم کار به لحاظ دایره زمانی و همچنین در دسترس نبودن برخی منابع، مانع از آن شده که در مواردی به صورت کامل از منابع اصلی استفاده شود.

در این کتاب سعی شده با معرفی مهم‌ترین حکومت‌های اسلامی مناطق مختلف شبه قاره هند و بیان گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و مذهبی آن، تصویری نسبتاً جامع از تاریخ اسلام در شبه قاره هند، در اختیار خوانندگان قرار گیرد. به‌رغم همه محدودیت‌ها، مؤلف کوشیده است تا با استفاده از منابع و مآخذ معتبر، اثری کامل و درخور تألیف کند؛ با این حال، این اثر خالی از اشکال نخواهد بود و نظریات استادان، دانشجویان و پژوهشگران این حوزه، نگارنده را در بهبود کیفیت آن یاری خواهد رساند.

کتاب حاضر پیش از این در قالب متون درسی برای دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است؛ اما از آنجا که کتاب‌های دانشگاه پیام نور به صورت متن درسی تدوین شده و صرفاً مورد استفاده دانشجویان همین دانشگاه قرار می‌گیرد، بر آن شدیم تا با تغییراتی، بیش از ۳۰ درصد، این کتاب را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به چاپ برسانیم تا برای دانشجویان سایر دانشگاه‌ها نیز قابل استفاده باشد. در پایان لازم می‌دانم از مجموعه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه مدیر محترم فرهیخته گروه تاریخ جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی و انتشارات پژوهشگاه که در چاپ این اثر بنده را یاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. در این مجال فرصت را مغتنم می‌شمارم و از کارشناس گروه تاریخ جناب آقای اسماعیل یارمحمدی که افزون بر همراهی نگارنده در امور اداری، کار روخوانی نهایی متن و نمایه‌گیری اثر را بر عهده داشته‌اند سپاسگزاری کنم.

محمود صادقی علوی

## فصل اول

# ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخ‌نویسی در شبه قاره هند

### ۱-۱. ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی

موقعیت طبیعی و جغرافیایی هر منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات و حوادث تاریخی آن منطقه دارد. شبه قاره هند نیز به جهت برخورداری از ویژگی‌های خاص طبیعی و جغرافیایی همواره و در طول تاریخ مورد توجه اقوام و گروه‌های مختلف بوده است. به این جهت، پیش از بررسی تاریخ حضور مسلمانان در این منطقه، لازم است به اختصار ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی و پیشینه تاریخی و مذهبی این منطقه از نظر مورخان و جغرافی‌نویسان مسلمان را بررسی کنیم.

هندوستان در جنوب آسیا و در کنار آب‌های گرم اقیانوس هند واقع شده و یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان است. این کشور افزون بر موقعیت راهبردی، به دلیل دسترسی به آب‌های آزاد و واقع شدن در مرزهای میان آسیای جنوب غربی و آسیای شرقی، دارای معادن ارزشمند طبیعی، خاک حاصلخیز و ثروت فراوان بوده و از دیرباز اهمیت ویژه‌ای به آن داده شده و همواره مورد توجه طبقات مختلف مردم و نیز مورد تاخت و تاز دولت‌های بیگانه، به‌ویژه استعمارگران قرار گرفته است. برخی مورخان تاریخچه و وجه تسمیه سرزمین هند و سند را از زمان حضرت آدم علیه السلام می‌دانند و نام‌گذاری این سرزمین به نام هند و سند را به فرزندان وی منسوب می‌کنند. فرشته، در تاریخ خود به این مسئله اشاره می‌کند که هند و سند، دو تن از فرزندان حام<sup>۱</sup> بودند که به سرزمین کنونی هند آمده و

---

۱. حام از فرزندان نوح بوده است.

در آبادانی این سرزمین کوشیدند. آنها همچنین به نام فرزندان خود، شهرهایی مثل تهته و ملتان را در این منطقه بنا کردند. این سرزمین بعدها به نام این دو فرد، به سرزمین هند و سند موسوم شد (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰؛ قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳).

اما تحقیقات جدید وجه تسمیه هند را از رود سند می‌داند. بر این اساس، نام هند از رود پرآب سند گرفته شده است. واژه «سندو» در زبان محلی به معنی رود است. ایرانیان باستان واژه هند را از نام رودخانه سند ساخته و به این ترتیب سند را به هند و سندو را به هندو تبدیل کرده‌اند و این سرزمین بزرگ را هندوستان (سرزمین رودها) نامیده‌اند. نام ملی هند «بارته»<sup>۱</sup> اسم یکی از قهرمانان اسطوره‌ای این سرزمین است (قرایی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

تنوع زیستی و جغرافیایی در شبه قاره هند فراوان است، به طوری که بیشتر مورخان و جغرافی نویسان به این مطلب اشاره کرده‌اند. اما به طور کلی این سرزمین در منطقه گرم و مرطوب واقع شده است. شبانکاره‌ای شرح مفصلی از ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی این سرزمین بیان کرده است. براساس نظر شبانکاره‌ای، سرزمین هند در منطقه‌ای واقع شده که دارای آب و هوای معتدل است که نه زمستان سختی دارد و نه تابستان گرم. همین ویژگی‌ها باعث شده تا این منطقه برای کشاورزی بسیار مناسب بوده و در سراسر سال سرسبز باشد. پیامد چنین شرایط جغرافیایی و طبیعی کشت محصولات مختلف باغی و نباتی از جمله گیاهان دارویی در این منطقه است که در دیگر مناطق جهان به راحتی یافت نمی‌شوند (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۷). دیگر مورخان نیز در آثار خود به وسعت فراوان، ویژگی‌های طبیعی و به‌ویژه عجایب طبیعی و معادن سنگ‌های گرانبهای این شبه قاره اشاره کرده‌اند (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰).

به طور کلی شبه قاره هند را می‌توان به چهار منطقه جغرافیایی کاملاً جدا تقسیم کرد: اول، کوه‌های هیمالیا در شمالی‌ترین قسمت کشور هند که یکی از عظیم‌ترین رشته کوه‌های سراسر دنیاست و به دلیل طولانی بودن و ارتفاعش، یک سدّ فیزیکی میان هندوستان و چین پدید آورده است؛ دوم، دشت‌های شمالی رود گنگ و شاخه‌های آن. دو رود مهم هندوستان عبارت‌اند از رودخانه گنگ و براهماپوترا که رودخانه گنگ از کوه‌های جنوبی هیمالیا سرچشمه می‌گیرد و پس از آبیاری قسمت‌های وسیعی از شبه قاره هند به خلیج بنگال می‌ریزد که جلگه گنگ، زمین‌های حاصلخیز مرکزی هندوستان را تشکیل می‌دهد؛ سوم، فلات جنوبی (دکن) که حدود

1. Bharata

ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و... ۵

آن با تپه‌ها و کوه‌های کم‌ارتفاع مشخص می‌شود، ناحیه شبه جزیره دکن بیش از نیمی از وسعت کشور هند را در نیمه جنوبی آن شامل می‌شود. این بخش، بنا به شرایط خاص جغرافیایی، از مناطق سرسبز و زیباست که آب و هوایی نسبتاً معتدل و موقعیت‌های طبیعی بسیار دلکش و استثنایی دارد و بسیاری از مردمان را در طول تاریخ به سوی خود کشانده است؛ و چهارم، منطقه بیابانی شمال غربی شبه قاره هند (بیابان تار). افزون بر این مناطق، هندوستان، سه گروه جزایر اقیانوسی را هم شامل می‌شود (گودین، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

به دلیل شرایط خاص جغرافیایی شبه قاره هند، پوشش گیاهی آن نیز بسیار متنوع و اکوسیستم طبیعی آن منحصر به فرد است.<sup>۱</sup> براساس تحقیقات جدید حدود ۴۵ هزار گونه گیاه در هندوستان وجود دارد. این شبه قاره که یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین جوامع کشاورزی جهان است به لحاظ تعداد گونه‌های گیاهان خوراکی نیز کشوری غنی به‌شمار می‌آید. در این کشور حدود ۱۶۶ گونه گیاه کشت می‌شود که مصرف غذایی دارند و ۳۲۰ گونه هم از خانواده‌های خودرُوی محصولات کشاورزی هستند. گیاه‌شناسان همچنین شانزده نوع اصلی گیاه جنگلی را در هندوستان شناسایی کرده‌اند. این پوشش گیاهی از جنگل‌های خودرُوی حاره‌ای و همیشه سبز جزایر آندامان و نیکوبار تا بوته‌زارهای خشک آلپی مناطق مرتفع کوه‌های هیمالیا متفاوت است (گودین، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

تنوع جغرافیایی و گیاهی در شبه قاره هند باعث شده است تا این منطقه تنوع جانوری فراوانی نیز داشته باشد. در این منطقه ۸ هزار و صد گونه جانوری شامل ۳۹۶ گونه از پستانداران، هزار و ۲۲۸ گونه از پرندگان، ۴۴۶ گونه از خزندگان و ۲۰۴ گونه از دوزیستان در این منطقه زندگی می‌کنند.<sup>۲</sup>

---

۱. در این باره صاحب تحریر تاریخ و صاف می‌نویسد: «در این دیار در چهار فصل هفتاد نوع گل رنگین روید و دیگر انواع ریاحین بدون رنج طلب در همه جا در دسترس باشد. زراعت غلات شتوی (زمستانی) با شبنم باشد و پس از برداشت محصول آن زراعت صیفی (تابستانی) آغاز کنند و آن را با باران آب دهند. انگور دو بار در سال ثمر دهد و پنبه چون بید و چنار ریشه کند و شاخ گسترده و سال‌های پی‌درپی ثمر دهد» (آیتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۲).

۲. هرچند جمعیت پستانداران بزرگ هندوستان به اندازه آفریقا متعدد و متنوع نیست، اما هندوستان خاستگاه شمار بسیاری از جانوران بزرگ وحشی از جمله فیل آسیایی، ببر، کرگدن‌های تک‌شاخ، شیر آسیایی، پلنگ، بوفالوی وحشی، یوزپلنگ، خوک خرطوم‌دار، بز کوهی، آهو و گوزن است. همچنین بسیاری از گونه‌های میمون‌ها نیز در هندوستان زندگی می‌کنند (گودین، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

## ۱-۲. مذهب و جامعه

در رابطه با مذهب مردم شبه قاره هند، پیش از ورود مسلمانان به این منطقه نظریات گوناگونی بیان شده است. در این قسمت درصدد آن نیستیم که به صورت مفصل و تخصصی درباره ادیان و عقاید مردم هند پیش از اسلام سخن بگوییم؛ چراکه در این رابطه آثار فراوانی تألیف شده است، بلکه به طور کلی به دنبال آن هستیم تا از دید مورخان مسلمان، نگاهی کوتاه به ادیان هند در آستانه ورود مسلمانان به این منطقه بیندازیم. چنانکه پیش از این اشاره شد، مورخان مسلمان، تاریخ سرزمین هند را همچون بیان تاریخچه دیگر مناطق جهان اسلام تا زمان حضرت نوح (علیه السلام) ادامه می دهند. براساس همین گزارش ها، مردم شبه قاره هند زمانی که فرزندان حضرت نوح (علیه السلام) به این منطقه آمدند یکتاپرست بودند، اما به تدریج در دوره های بعد به دلایل مختلف از آیین یکتاپرستی فاصله گرفته و به پرستش مظاهر طبیعت و اجسام ساخته دست خود پرداختند. فرشته در تاریخ خود روند گرایش مردم شبه قاره هند از یکتاپرستی به بت پرستی را چنین بیان می کند: «گویند که هند چنانچه از پدر خود حام بن نوح (علیه السلام) دیده و شنیده بود طاعت و عبادت خالق بی چون می کرد و فرزندان او بطناً بعد بطن پیروی او می نمودند تا آنکه در عهد مهاراج، شخصی از ایران آمده رهنمون پرستش آفتاب گشت و آن رواج تمام گرفته بعضی ستاره پرست و آتش پرست نیز شدند، اما چون بت پرستی پدید آمد از همه بیشتر شایع شد» (هندوشاه استرآبادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶).

منابع دیگر هم به پرستش بت و مظاهر طبیعت از سوی مردم شبه قاره اشاره کرده اند (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰). برخی از معروف ترین خدایان آنها عبارت اند از: اگنی<sup>۱</sup> (آتش)، وارونا<sup>۲</sup> (آسمان)، ایشوارا<sup>۳</sup> (فرمانروا)، رودرا<sup>۴</sup> (وحشتناک)، رام<sup>۵</sup> (دپذیر)، کریشنا<sup>۶</sup> (آبی پر رنگ)، یاما<sup>۷</sup> (خدای حاکم بر ارواح)، اشوین<sup>۸</sup> (اسب سوار) و کالی<sup>۹</sup> (بت مونث) (توفیقی، ۱۳۸۹، ص ۳۳).

براساس تحقیقات و پژوهش های پژوهشگران حوزه تاریخ ادیان، مردم شبه قاره هند پیش از ورود آریایی ها به این منطقه، فرهنگ، دین و مراسم خاص خود را داشتند که براساس کشفیات باستان شناسی جدید برخی از خدایان آیین هندو قبل از ورود آریایی ها به این منطقه، در هندوستان

1. Agni
3. Isvars
5. Rama
7. Yama
9. Kali

2. Varuna
4. Rurdra
6. Krishna
8. Asvin

وجود داشته‌اند. آیین قوم آریایی هندوستان برهمنی<sup>۱</sup> بود که به برهما، خدای هندوان اشاره می‌کند. این آیین گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است. آیین هندو<sup>۲</sup> شکل تحول‌یافته‌ای از آیین برهمنی است که به تدریج به شکل کنونی درآمده است (همان، ص ۲۶). اصول دین هندو عبارت است از اعتقاد و احترام به کتاب‌های آسمانی خویش و سنت‌های دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنان در دوره‌های قدیم عقیده دارند. اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، همچنین احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو از اصول آن دین است (همان، ص ۳۲). آیین بودا<sup>۳</sup> نیز متأثر از آیین برهمنی است. این آیین از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را درنوردیده است و به علت داشتن اندیشه‌های عرفانی لطیف و حضورش در مناطق پرجمعیت جهان، پیروان زیادی دارد (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۴۳؛ توفیقی، همان، ص ۴۲).

نظام اجتماعی شبه قاره هند پیش از ورود مسلمانان به این منطقه نظام کاستی بود که براساس آن، جامعه به طبقات مختلف تقسیم می‌شد و افراد هر طبقه وظایف مخصوص به خود را داشتند. چهار گروه عمده این جامعه عبارت بودند از: برهمنان یا روحانیون و کاهنان برهمنی، کهنتر یا امرا و شاهزادگان، بیش یا کشاورزان و صنعتگران و شودر یا بردگان و غیر آریایی‌ها که در شبه قاره، برهمنان در بالاترین جایگاه جامعه و شودرها پست‌ترین طبقه جامعه بودند.<sup>۴</sup>

#### 1. Brahmanism

#### 2. Hinduism

#### 3. Buddha

۴. مؤلف جهانگیرنامه این گروه‌ها و وظایف آنها را این‌چنین توصیف می‌کند: «طوایف هند بر چهار گروه قرار یافته و هر کدام به آیین و طریق خاص عمل می‌نمایند، و در هر سال روزی معین دارند که در آن روز مراسم خاصی را انجام می‌دهند. اول طایفه برهمن، یعنی شناسنده ایزد بی‌چون. وظیفه ایشان شش چیز است: علم آموختن و دیگران را تعلیم دادن و آتش پرستیدن و مردم را دلالت، به پرستش کردن و چیزها به محتاجان دادن و چیزی گرفتن؛ دوم چهتری است که به کهنتری معروف و مشهور است و مراد از چهتری طایفه‌ای است که مظلومان را از شر ظالمان محفوظ دارند. آیین این طایفه را سه چیز است: یکی آنکه خود علم بخواند و دیگری تعلیم ندهد؛ دوم آنکه خود آتش‌پرستی نماید و دیگری را به پرستش دعوت نکند و سوم آنکه به محتاجان چیزی بدهد و خود با وجود احتیاج چیزی نگیرد؛ سوم طایفه بیش است و این جماعت این دو طایفه را که ذکر ایشان گذشت خدمت می‌کنند و زراعت و خرید و فروخت و سود و سودا شغل مقرر ایشان است؛ طایفه چهارم شودر است این گروه کهنترین طوایف هندوند. همه را خدمت می‌کنند و ازین چیزها که مخصوص هر طایفه مذکور گشت بهره ندارند»، جهانگیر، ۱۳۵۹، ص ۱۳۹-۱۴۰.

در این نظام اجتماعی طبقات دارای حدود، تکالیف و امتیازهای خاصی بودند. طبقه، قابل جابه‌جایی نبود و هر کس در هر طبقه‌ای به دنیا می‌آمد تا پایان عمر در همان طبقه ماندگار بود. در این جامعه برهمنان، یعنی علمای مذهبی بالاترین جایگاه را داشتند، فرهنگ هندی نیز رنگ مذهبی داشت و بیشتر آن دسته از علوم پیشرفت داشت که به مذهب کمک می‌کرد. در آموزش و پرورش هندی، روحانیان نقش اساسی داشتند و شاید برای آنکه راز کتاب‌های مذهبی بر همه آشکار نشود، از اشاعه خط و کتاب‌جولوگیری می‌کردند. فرزندان برهمنان و بعضی فرقه‌های دیگر حق فراگرفتن علم را داشتند و آموزش جنبه مذهبی داشت.

چنان‌که در اروپای قرون وسطا آثار علمی و ادبی به زبان غیر قابل فهم لاتین که مردم از فهم آن عاجز بودند به نگارش درمی‌آمدند، در هند باستان نیز فلسفه و ادبیات به زبان سانسکریت که پیوند خود را از مردم گسیخته بود، نوشته می‌شدند؛ ولی این وضع دوام نیافت و از قرن پنجم پیش از میلاد، هندیان زبان خود را تغییر دادند و در سده چهارم پیش از میلاد برای خود دستور زبان نوشتند. نویسندگان عهد عتیق از برگ خرما و پوست درخت به جای کاغذ و از میله آهن به جای قلم استفاده می‌کردند (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۴۸).

هندی‌های آریایی در آغاز امر، از راه جنگ و غارتگری امرار معاش می‌کردند و سپس از راه گله‌داری و کشت و زرع گذران می‌کردند. صنایع دستی در میان صنعتگران و شاگردان تازه‌کار رواج داشت و پانصد سال پیش از میلاد، سازمان نیرومند اصناف مختلف، در این کشور کهنسال وجود داشته است (راوندی، همان، ص ۲۳۳؛ قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰).

### ۱-۳. گذری بر تاریخ‌نویسی در شبه قاره هند، در دوره اسلامی

به جهت نفوذ فراوان زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره هند و حضور شمار بسیاری از ایرانیان در دربار حاکمان مسلمان هند، بیشتر منابع تاریخی این دوره به‌ویژه تاریخ‌هایی که مورخان این حکومت‌ها نوشته‌اند به زبان فارسی هستند. تأثیر فارسی‌زبانان در این دوره بر تاریخ‌نویسی به اندازه‌ای بود که حتی مورخان هندی نیز در این دوره برخی از آثار خود را به زبان فارسی تألیف کردند. این دوره یکی از ادوار درخشان زبان و ادب فارسی به‌شمار می‌آید؛ چراکه پادشاهان و حامیان ایرانی‌نژاد این عصر در سرزمین هند، در سرپرستی و حمایت از گویندگان و نویسندگان فارسی‌زبان هیچ مضایقه‌ای نداشته‌اند. با اندک تأملی در تاریخ ادبیات فارسی در این دوره،



می‌توان رد پای بسیاری از علما و شعرای فارسی‌زبان را یافت که در دربار حکومت‌های مسلمان هند حضور داشته و از توجه و عنایت این حاکمان بهره‌مند می‌شده‌اند. هر کدام از این پادشاهان به سهم خود ارباب فضل و هنر را از مناطق مختلف جهان به دربار خود جلب کرده و آنان را تحت حمایت و سرپرستی خویش قرار می‌دادند. بر اثر تشویق آنان بود که علم و ادب و هنر در آن عصر گسترش درخور توجهی یافت و زبان و ادب فارسی رونق شایانی گرفت و در انواع رشته‌های علمی به‌ویژه تاریخ آثار و تألیفات بسیار پدید آمدند. به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد که شروع تاریخ‌نگاری در شبه قاره هند در دوره اسلامی، متأثر از تاریخ‌نگاری ایرانی و به زبان فارسی بوده است؛ زیرا زبان فارسی قرن‌ها زبان فرهنگ و ادب در شبه قاره به‌شمار می‌رفت.

آنچه می‌توان به‌عنوان ویژگی غالب تاریخ‌نویسی در این دوره از آن یاد کرد این است که مورخان این دوره بیش از آنکه به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی توجه داشته باشند، بیشتر به شرح تاریخ سیاسی اکتفا کرده‌اند. از این‌رو، بیشتر مورخان، رویدادهای سیاسی و به‌ویژه شرح جنگ‌ها، روابط دیپلماتیک حکومت‌ها، کیفیت جلوس پادشاه جدید و وضعیت دربار و درباریان را در تألیفات خود ذکر کرده‌اند. تألیفاتی چون *حديقة السلاطين*، اثر میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله ساعدی شیرازی، که در کنار بیان دقیق مسائل سیاسی، در برخی موارد از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه نیز اطلاعاتی به‌دست می‌دهد، در این دوره بسیار نادر است.

تاریخ‌نگاری در هند دوره اسلامی را می‌توان به دو دوره پیش از تیموریان و دوره تیموریان تقسیم کرد. نخستین اثر به‌جا مانده از دوران پیش از تیموریان، *چچ‌نامه* است که علی بن حمید کوفی در حدود سال ۶۱۳ق، آن را از متنی عربی، بدون نام مؤلف و عنوان، به فارسی ترجمه کرد؛ متن عربی این کتاب از میان رفته است. این اثر شامل دو بخش است: بخش نخست گزارشی از خاندانی برهمن در سند پیش از فتوحات اعراب است که تاریخ محلی محسوب می‌شود و بخش دوم و مفصل‌تر کتاب ذکر فتوحات اعراب از سال ۹۲ تا ۹۵ق، است و شامل مجموعه‌ای از روایت‌هایی همانند روایت‌های تاریخ طبری است. مهم‌ترین اثر دوره سلاطین دهلی کتاب *طبقات ناصری* ابوعمر و جوزجانی، مشهور به *منهاج سراج*، است که در سال ۶۵۷ق، تدوین شده است. این اثر درباره تاریخ سلسله‌های اسلامی است و درباره سلسله غوریان، نخستین سلاطین هند و جانشینان آنان و دوره استیلای مغول در این سرزمین مطالب با ارزشی دارد. در رابطه با دوره حکومت تغلق‌شاهیان کتاب تاریخ فیروزشاهی، نوشته ضیاءالدین برنی، یکی از مهم‌ترین منابع است.

این کتاب در سال ۷۵۸ق، تألیف شده و درباره تاریخ سلطان‌نشین دهلی است. با تشکیل حکومت بابرین عصر جدیدی در تاریخ‌نگاری دوره اسلامی هند پدید آمد. در این دوره شمار بسیاری از مورخان و ادیبان ایرانی به هند مهاجرت کردند که فعالیت‌های این افراد، در کنار حمایت پادشاهان گورکانی از آنها و همچنین توجه بسیاری از این پادشاهان و نیز پادشاهان حکومت‌های محلی جنوب هند از دانشمندان و ادیبان فارسی‌زبان، باعث شد تا در این دوره شمار فراوانی از متون تاریخی به زبان فارسی تألیف شوند. ابوالفضل دکنی، ملا احمد تئوی، ملا عبدالقادر بداونی و شیخ فیضی سرهندی، برخی از مورخان برجسته این دوره هستند. در ادامه به اختصار برخی منابع تاریخ هند در دوره اسلامی معرفی می‌شوند.

### ۱-۳-۱. تحقیق ما للهند

ابوریحان محمد بن احمد بیرونی از دانشمندان بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری در سال ۳۶۲ق، در بیرون خوارزم زاده شد و نسبت بیرونی را از آنجا گرفت. درباره نسب و پدر وی اطلاع چندانی در دست نیست. وی به‌خوبی از عهده فراگیری علوم زمان خویش برآمد و سفرهای بسیار و جهان‌گردی و شوق معرفت، که از آغاز سن عواطف او را ملتهب کرده بود، به وسعت معلومات وی کمک کرد. از همان آغاز در زمینه دانش به مسائلی توجه داشت که در میان متعلمان آن دوره اسلامی چندان معهود و شناخته شده نبود. وی در بیست سالگی (۳۸۲ق) وطن خود را ترک گفت و به سوی سواحل دریای قزوین (خزر) روانه شد. در گرگان از توجهات قابوس بن وشمگیر زیاری بهره برد. در حدود سال ۴۰۰ق، به وطن خویش بازگشت و خیلی زود دستخوش دسیسه‌ها و توطئه‌های سیاسی شد و در سال ۴۰۸ق، محمود غزنوی وی را با خود به غزنه برد و پیوسته تحت نظر وی بود. در این دوران که زندگی برایش سخت بود و ابزار و لوازم علمی برای ادامه تحقیقات را در اختیار نداشت، تعدادی کتاب بزرگ و از جمله اثر معروف تحقیق ما للهند را تألیف کرد. گرچه نام بیرونی در نوشته‌های عربی در زمینه جغرافیا و جهانگردی مقامی دارد، اما چنان‌که از مؤلفات وی برمی‌آید، وی جغرافی‌شناس نبوده است. به تعبیر درست‌تر او بیش از آنکه جغرافی‌دان باشد، مؤلفی بوده با معرفتی بسیار گسترده که همه علوم دوران را آموخته است. قلمرو مطالعات وی چنان گسترده بود که تعیین شمار علوم که در آن دستی ندارد آسان‌تر از تعیین علوم مورد علاقه اوست. قلمرو فعالیت علمی او ریاضیات و

نجوم و علوم مربوط به آن است. به صورت طبیعی ابوریحان در زمینه جغرافیا به جنبه ریاضی و نجومی آن توجه داشته است. برخی آثار او عبارت‌اند از: کتاب تحديد الأماكن لتصحيح مسافات المساكن، کتاب القانون للمسعودی، آثار الباقية، الصيدنة فی الطب، تحقیق ما للهند و... (بیرونی، ۱۴۰۳ق، ص ۵-۱۱).

تحقیق ما للهند، کتابی درباره عقاید دینی، آرای فلسفی، ادبیات، تقویم، نجوم، جغرافیا و آداب و رسوم هندویان به زبان عربی است و نام کامل آن: کتاب البیرونی فی تحقیق ما للهند من مقولة مقبولة فی العقل أو مردولة است و به کتاب الهند نیز شهرت دارد. در این کتاب دائرةالمعارف گونه که مهم‌ترین اثر بیرونی در هندشناسی به‌شمار می‌آید، به تاریخ هند نیز پرداخته شده است. البته بیشتر تاریخ فرهنگی مردم هند مورد نظر بیرونی بوده است، اما از برخی گزارش‌های وی می‌توان اطلاعاتی از تاریخ سیاسی هند نیز به دست آورد. براین اساس، نمی‌توان این کتاب را تنها یک کتاب جغرافیایی دانست. وی در مقدمه کتاب، هند را به‌طور کلی معرفی می‌کند. این کتاب دربردارنده اطلاعات فراوانی است در زمینه‌های مختلف همچون: یکتاپرستی، اعتقادات فلسفی، کیفیت و علل بت‌پرستی و پرستش مظاهر طبیعت، آثار و منابع مکتوب در شعر و ادبیات و دیگر علوم، آداب و رسوم، خط، حساب و کتاب، مسیر شهرها و مسافت آنها، ستاره‌شناسی و مسائل مرتبط به آن و... افزون بر این، مقدار بسیار فراوانی اطلاعات مربوط به جغرافیای انسانی در کتاب پراکنده است و نیز در فصل‌های مهمی از دیانت هند و زندگی معنوی آنان سخن می‌گوید.

ویژگی‌های یاد شده باعث شده‌اند تا این اثر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، به‌ویژه در رابطه با فرهنگ و تمدن هند در دوره اسلامی و قبل از آن، توجه پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه را به خود جلب کند.

### ۱-۳-۲. برهان مآثر

کتابی درباره تاریخ سلاطین دکن به زبان فارسی، نوشته سیدعلی بن عزیزالله طباطباست. این کتاب مهم‌ترین اثر تاریخی است که از دوران نظام‌شاهان باقی مانده است. از مطالعه کتاب برمی‌آید که سیدعلی بن عزیزالله طباطبا که از اهالی سمنان بوده، بعد از مدتی سکونت در عراق، در حدود سال ۹۸۸ق/۱۵۸۰م، و در عهد حکومت سلطان ابراهیم قطب‌شاه، راهی گلکنده شد و

به خدمت او درآمد. وی تا ماه اول حکومت محمدقلی قطبشاه در گلکنده باقی ماند و پس از آن با اجازه قطبشاه ملازمت شاهان احمدنگر<sup>۱</sup> (نظامشاهیان) را اختیار نمود. وی کتاب برهان متأثر را در سال ۱۰۰۰ق، به دستور برهان نظامشاه (۹۹۹-۱۰۰۳ق) تألیف و به او تقدیم کرد.

مؤلف پس از یک مقدمه چند صفحه‌ای، سلاطین دکن را براساس مقر حکومتشان به چند طبقه تقسیم کرده است. از آنجا که مؤلف مدتی نیز در دستگاه حکومت قطبشاهیان و از ملازمان سلطان ابراهیم و محمدقلی قطبشاه بوده، قسمت پایانی کتاب خود را به تاریخ قطبشاهیان اختصاص داده است که تاریخ این خاندان را از بدو تأسیس تا دوران حکومت محمدقلی قطبشاه دربرمی‌گیرد. طباطبا قسمتی از مطالب اثر خود را از تاریخ‌های معتبر سلاطین هند و نیز از کتاب عیون التواریخ و تاریخ محمود شاهی اقتباس کرده است؛ ولی بخش مهمی از مندرجات آن مبتنی بر دیده‌ها و شنیده‌های خود اوست و به همین سبب، دارای اهمیت و اعتبار خاصی شده است. برهان متأثر گذشته از آنکه در تاریخ بهمنیان، قطبشاهیان و نظامشاهیان هند از جمله مآخذ معتبر و مهم تاریخی محسوب می‌شود، به‌طور غیر مستقیم از احوال عادلشاهیان و پادشاهان گجرات نیز سخن رانده است. این کتاب همچنین حاوی مطالب مفیدی درباره جغرافیای تاریخی شهر احمدنگر و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی نظامشاهیان و نیز چگونگی گرایش مذهبی امرای نظامشاهیه از حنفیه به امامیه است.

ناگفته نماند که مؤلف کتاب به جهت پای‌بندی به انشاپردازی، صحت تاریخی را در همه جا رعایت نکرده و میزان تحقیق او نسبت به مؤلف تاریخ فرشته کمتر است که در تصحیح کتاب به برخی از این اختلاف روایات در ذیل و حواشی اشاره شده است. البته این کتاب با نشر نه چندین سده نوشته شده است. قرینه و سجع در کتاب فراوان دیده می‌شود. آیات و احادیث و اشعار هم ضمن نثر آمده‌اند. القاب و عناوین پادشاهان گاه بسیار طولانی و چند سطری‌اند. لغات و ترکیبات و عبارات عربی هم در آن فراوان‌اند. خلاصه اینکه تمام ویژگی‌های نثر فنی در کتاب مشاهده می‌شود و فهم مطالب در خیلی جاها به سادگی برای همگان امکان ندارد. سنگینی الفاظ، معنا را

۱. احمدنگر (Ahmadnagar): شهری در ایالت ماهاراشترا در کشور هند است. این شهر در امتداد رودخانه سینا و در ۲۱۰ کیلومتری کلان‌شهر بمبئی واقع است. این شهر ۱۲۰ کیلومتر با شهر پونه و همچنین ۱۲۰ کیلومتر با اورنگ‌آباد فاصله دارد. احمدنگر را ملک احمد نظام‌شاه، مؤسس سلسله نظامشاهیان، در سال ۸۹۹ق/۱۴۹۰م، فتح کرد و تا پایان حکومت نظامشاهیان پایتخت این حکومت بود.

در خود پوشانده و با اینکه این کتاب از مآخذ عمده تاریخ دکن و سلاطین مسلمان آن سرزمین است، نمی‌تواند همگان را در بهره‌گیری از آن، به سبب وفور لغات عربی و سجع و اطناب‌های فراوان، یاری دهد و برای خواننده امروزی نثرش چندان مقبول نیست با اینکه از نظر اطلاعات تاریخی و سندیت اعتبار بسیار دارد. البته اشعاری که ضمن نثر جهت تکمیل معنا و ذکر وقایع به کار رفته نسبت به مطالب نثری بسیار ساده است (رادفر، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶).

### ۱-۳-۳. تاریخ فرشته

محمدقاسم هندوشاه بن مولانا غلام علی فرشته استرآبادی، مورخ و ادیب ایرانی، یکی از افرادی است که به دلایل نامعلومی از ایران به منطقه دکن<sup>۱</sup> کوچ کرد. محمدقاسم هندوشاه استرآبادی معروف به «فرشته» در استرآباد و در حدود سال ۹۶۰ق، ولادت یافت و پس از رشد و کسب دانش و تحصیلات مقدماتی، در دوازده سالگی همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر از محضر استادانی چون شیخ محمد مصری و احمد بن نصرالله سندی کسب علم کرد. او در احمدنگر پایتخت مرتضی نظام‌شاه (۹۷۲-۹۹۶ق) مستقر شد. پدر وی تعلیم فرزند نظام‌شاه را به عهده گرفت. به دنبال او محمدقاسم نیز وارد دربار نظام‌شاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقای مقام یافت. وی، چنان‌که در مقدمه کتاب خود می‌گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور<sup>۲</sup> رفت و از سوی سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (۹۸۷-۱۰۳۵ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره سلاطین هند شد.

تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی / تاریخ فرشته / تاریخ نوری نامه) کتابی به فارسی از مؤلف یاد شده از مورخان دربار بیجاپور است. مؤلف، این کتاب را در ذکر پادشاهان، دانشمندان، عارفان و شاعران هند از روزگار غزنویان تا زمان تألیف کتاب در سال ۱۰۱۵ق، نوشته و آن را به ابراهیم عادل‌شاه دوم (۹۸۷-۱۰۳۵ق) تقدیم کرده است به همین دلیل این کتاب در ابتدا

۱. دکن: این واژه به معنای جنوب است و از نظر موقعیت جغرافیایی در جنوب شبه قاره هند واقع شده است. این منطقه از شمال به رودخانه نرمادا (narmada) و کوه‌های ویندا (vinda)، از جنوب به دماغه کمورین (komorine)، از شرق به سواحل وگانه‌های شرقی (و خلیج بنگال) و از غرب به سواحل غربی وگانه‌های غربی محدود است.

۲. بیجاپور (Bijapur): این شهر در شمال ایالت جنوبی کرناटक واقع است. وجود رودخانه‌های پرآبی چون کریشنا، دُن و بهیما شرایط مناسبی را برای کشاورزی این شهر فراهم آورده است. این شهر پس از تأسیس حکومت عادل‌شاهیان از سوی یوسف عادل‌شاه تا پایان عمر این حکومت، پایتخت حکومت عادل‌شاهیان بود.

گلشن ابراهیمی نام گرفت. مؤلف در سال ۱۸۰۱ق، همین کتاب را با عنوان تاریخ نوری نامش بازنویسی کرد.

تاریخ فرشته یکی از نخستین کتاب‌هایی است که به تاریخ عمومی هند اختصاص دارد. این کتاب مأخذ اغلب تألیفاتی بوده است که بعد از این کتاب درباره تاریخ هند تألیف شده‌اند. ویژگی دیگر تاریخ فرشته در این است که این کتاب، چکیده همه کتاب‌های کوچک و بزرگ و پراکنده مؤلفان قبل از خود را درباره هند اسلامی به شیوه مهذب‌تری گردآوری و تدوین کرده است که اکنون دست یافتن به نسخه‌های آن تألیفات بسیار مشکل و شاید در برخی موارد ناممکن باشد.

این کتاب در یک مقدمه، دوازده مقاله و یک خاتمه تألیف شده است. تاریخ فرشته مشتمل است بر مقدمه‌ای در کیفیت ورود اسلام به هند و کلیاتی در آیین و آداب هندوان و تاریخ اساطیری هند؛ محتوای مقالات دوازده‌گانه این کتاب عبارت‌اند از: سلاطین لاهور (غزنویان) در احوال سبکتگین، محمود و مسعود؛ سلاطین دهلی؛ شاهان دکن (بهمنیان، عادل‌شاهیان بیجاپور، نظام‌شاهیان احمدنگر، قطب‌شاهیان گلکنده و حیدرآباد، عمادشاهیان برار و بریدشاهیان بیدر)؛ شاهان گجرات؛ حکمرانان مالوه؛ شاهان خاندیش (سلاطین فاروقی برهانپور)؛ سلاطین بنگال؛ حکمرانان مولتان؛ شاهان سند؛ شاهان کشمیر؛ فرمانروایان ملیبار؛ ذکر حالات مشایخ صوفیه هندوستان در دو قسمت: دودمان چشتیه و خاندان سهروردیه مولتان و خاتمه کتاب درباره راجگان هند است.

این اثر به‌ویژه مأخذی دست اول برای تاریخ سلسله‌های مسلمان جنوب هند و سرزمین دکن محسوب می‌شود. ارزش تاریخی این کتاب به‌ویژه در رابطه با حکومت‌های محلی دکن بیشتر از آن جهت است که مؤلف چندی در دربار حکومت نظام‌شاهیان و عادل‌شاهیان حضور داشته و خود از نزدیک شاهد وقایع بوده و در تدوین تاریخ این دوره بیشتر مشاهدات شخصی خود را نوشته است. همچنین از آنجا که مؤلف به اسناد دربارهای عادل‌شاهیان و نظام‌شاهیان دسترسی داشته، باعث شده تا اثر وی موثق‌تر باشد؛ بنابراین، کتاب یاد شده یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی درباره حکومت بهمنیان، عادل‌شاهیان، قطب‌شاهیان، نظام‌شاهیان، بریدشاهیان، عمادشاهیان و همچنین روابط این حکومت‌ها با یکدیگر و روابط آنها با حکومت‌های هندو مذهب منطقه دکن به‌شمار می‌آید.

کتاب تاریخ فرشته همچنین در رابطه با تاریخ ایران نیز درخور توجه است، زیرا افزون بر

گزارش‌هایی درباره دوره غزنوی، در باب مناسبات سیاسی و فرهنگی سلاطین دکن با دربار صفوی و نفوذ مذهبی صفویان، اطلاعات درخور توجهی به دست می‌دهد. از جمله ویژگی‌های تاریخ فرشته، می‌توان به اشتغال آن بر ذکر آداب و رسوم، اعتقادات و آیین هندوان اشاره کرد. همچنین وجود اصطلاحات دیوانی و اداری استفاده شده در تشکیلات اداری و دیوانی هند و نیز اطلاعاتی در باب اقوام مختلف و مکان‌های جغرافیایی و اطلاعات مردم‌شناختی و عقاید عامیانه، جشن‌های درباری و آداب مملکت‌داری، از دیگر ویژگی‌های این کتاب هستند. تاریخ فرشته از نظر زبان و ادبیات فارسی نیز اهمیت دارد. این کتاب نمونه زنده‌ای از نثر فارسی رایج در شبه قاره هند در اواخر سده دهم و اوائل سده یازدهم هجری است. امتیاز دیگر این کتاب آن است که مؤلف با مهارت تمام در تاریخ، به جزئیات حوادث توجه کرده و رقابت‌های امیران، شاهزادگان و سلاطین مسلمان محلی هند و کشمکش‌های آنها را به‌طور مشروح نوشته و بیان کرده که چگونه این کشمکش‌ها زمینه ورود استعمار غرب، به‌ویژه انگلیس را به سرزمین اسلامی هند مهیا کرد.

با توجه به اینکه استعمار غرب نخستین ضربه کاری خود را بر پیکر جهان اسلام در شبه قاره هند زد و با استیلا بر آنجا فلاکت‌ها و بدبختی‌های کنونی را بر جهان اسلام تحمیل کرد و آنان را دچار سرنوشت غمباری ساخت که فوق آن متصور نیست، از این‌رو، برای بررسی تاریخ این دوره، تاریخ فرشته یکی از بهترین منابع است (شکوری، ۱۳۷۰، ص ۷۶).

### ۱-۳-۴. تاریخ آصف جاهیان / گلزار آصفیه

سلسله «آصف‌جاهی» که در ایران به «نظام‌های دکن» نیز شهرت دارند و این کتاب به نام آنها تألیف شده است، سلسله‌ای است که پس از انقراض حکومت قطب‌شاهیان، از سوی بابریان به حکومت این ناحیه منصوب شده و هفت نسل از افراد این خانواده تا سال ۱۹۵۹م، بر منطقه دکن فرمانروایی داشتند. این سلسله همچنین پای‌بندی و تعصب شدید به مبانی مذهبی و علاقه به مذهب شیعه و زبان فارسی داشتند.

کتاب گلزار آصفیه را خانزمان‌خان، میان سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۰ق، در دوره سلطنت ناصرالدوله آصف‌جاه چهارم سکندرجاه، هفتمین فرمانروای آصفیه تألیف کرده است و به همین علت از منابع مهم این دوره شمرده می‌شود. نویسنده این کتاب خواجه غلام‌حسین‌خان، ملقب به خانزمان‌خان دهلوی است. پدرش ملقب به مسیح‌الدوله، طبیب مخصوص میرنظام علیخان

(نظام دوم) بوده و خواجه غلام حسین خان نیز بعد از پدر به همین کار مشغول بوده است. ولی به دلیل آشنایی با دودمان آصفیه، به نگارش کتاب ثبت وقایع و رویدادهای سلطنت آن خاندان همت گماشته است.

گلزار آصفیه از یک مقدمه در ذکر احوال مؤلف، و چهار باب و یک خاتمه ترتیب یافته است. مؤلف، باب اول را به ذکر سلاطین قطب‌شاهی اختصاص داده و به همین علت به جامعیت کتاب افزوده است. باب دوم در «ذکر سریر آرایان دولت آصفیه» است که از آغاز تا روزگار میرفرخنده علیخان بهادر (نظام یا آصف‌جاه چهارم) ادامه می‌یابد. مؤلف در باب سوم به دلیل اهمیت وزیران و امیران و صاحب منصبان دربار آصف‌جاهیان و نقش آنان در شکوه و دوام آن خاندان، به شرح حال آنان و سهم هر یک در تداوم دولت آصف‌جاهیان، پرداخته است که عنوان این باب «ذکر احوال وزیران و امیران و سرداران و منصب‌داران دربار جهاندار آصفیه» است. در ادامه آن به ذکر راجه‌ها، حکما، حافظان، شعرا، عالمان، فقرا، مشایخ و علمای عصر و سرداران قوم افغان، جمع‌داران، مقربان و درباریان زمان خود پرداخته و شرح احوال بیش از ۲۵۰ نفر از معاصران خود را آورده است.

باب چهارم درباره «ذکر جمع کامل شش صوبه مملکت دکن» است که در آن به همه شهرها و آبادی‌های این محدوده اشاره می‌کند. خاتمه کتاب نیز مشتمل بر دو فصل است که در فصل اول آن با «ذکر ابتدای احوال ورود وکلای انگریزی در سرکار و ملازم شدن جمعیت انگریزی» پرداخته و چگونگی ورود انگلیسی‌ها به این منطقه را شرح می‌دهد.

مؤلف در باب چهارم به ذکر مراسم سالگرد «کوه شریف جناب حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)» (کوهی معروف در نزدیکی حیدرآباد به نام «مولا علی») که بنا به روایات مشهور محل پنجه مبارک امام اول شیعیان است) پرداخته و همچنین ایام سوگواری سالار شهیدان را تحت عنوان «ذکر عشره محرم الحرام در حیدرآباد» شرح می‌دهد. اهمیت این اثر در رابطه با رساله حاضر از آن روی است که این اثر در رابطه با تاریخ حکومتی است که بلافاصله پس از انقراض حکومت قطب‌شاهیان در شهر حیدرآباد حکومت می‌کردند. همچنین مؤلف این اثر به حوادث و رویدادهای اجتماعی نیز توجه داشته و اموری همچون مراسم ایام محرم در حیدرآباد و همچنین مراسم کوه مولا علی که پایه‌گذار همه این مراسم در حیدرآباد، قطب‌شاهیان و شیعیان دوره حکومت آنها بودند، را مورد توجه قرار داده است. از آنجا که این مراسم در ادامه مراسم دوره حکومت قطب‌شاهیان است، تاریخ اجتماعی شیعیان دکن در این دوره اهمیت بسیار دارد.



### ۱-۳-۵. لبّ التواریخ هند / لبّ اللباب / تاریخ لبّ اللباب

کتابی است به زبان فارسی تألیف رای بند رابن<sup>۱</sup> از امیران هندوی مشهور هند که در دستگاه حکومت شاه‌جهان و اورنگ زیب مناصبی داشته است. لبّ التواریخ هند چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید خلاصه تاریخ هند است که مؤلف آن را میان سال‌های ۱۱۰۱ تا ۱۱۰۶ق، تألیف کرده است. بزرگ‌ترین امتیاز آن بر دیگر تاریخ‌های هند آن است که این تاریخ نخستین تاریخ عمومی هند اسلامی است که به قلم یک مورخ هندو تألیف شده است. منبع اصلی این کتاب تا حوادث سال ۱۰۰۰ق، کتاب گلشن ابراهیمی بوده، اما از سال ۱۰۰۰ تا سال ۱۱۰۰ق، منبع او کتاب‌هایی چون بادشاه‌نامه، اثر محمدامین قزوینی، بادشاه‌نامه، اثر عبدالحمید لاهوری و عالم‌گیرنامه، نوشته محمد کاظم بوده است. وی در عین حال از اطلاعات پدرش رای بهارمال<sup>۲</sup> (از رجال درباری گورکانیان) و مشهودات شخص خود نیز استفاده وافر برده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه، ده باب و یک خاتمه است که در باب دوم آن، درباره شاهان دکن بحث می‌کند. اگرچه لبّ التواریخ هند تلخیصی از تألیفات قدیمی‌تر است، ولی به‌عنوان تاریخ عمومی هند در قرن یازدهم هجری، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد؛ زیرا این تاریخ در واقع دنباله تاریخ نوشته شده که آن را تا سال ۱۱۰۶ق، ادامه داده است. مفیدترین قسمت کتاب، باب اول آن است که به تاریخ اورنگ زیب می‌پردازد. در این قسمت مؤلف نه تنها شاهد و ناظر وقایع بوده، بلکه خود در بعضی از آنها شرکت داشته است. از این‌رو درباره وضعیت سلاطین دکن در این دوره و برخوردهای آنان با اورنگ زیب و سرانجام زوال آنها، دارای اهمیت بسیار است. شرح جنگ‌های اورنگ زیب با حکومت‌های شیعه دکن و چگونگی تصرف احمدنگر، حیدرآباد، گلکنده و بیجاپور و انقراض حکومت‌های محلی شیعه دکن با ذکر جزئیات در این کتاب آمده‌اند. متأسفانه این اثر گران‌بهای تاریخی هنوز به طبع نرسیده ولی خوشبختانه نسخه‌های خطی فراوانی از آن موجود است.

1. Ray Bindraban

2. Ray Baharamal

### ۱-۳-۶. منتخب اللباب

مؤلف این کتاب محمد هاشم خان، مشهور به خافی خان نظام الملکی است. این کتاب جزء تاریخ‌های عمومی به‌شمار می‌رود و تاریخ شبه قاره هند را از ورود اسلام به هند تا پایان سلسله اسلامی بهمینیان و پس از آن حکومت‌های محلی دکن، دربردارد. جلد سوم این کتاب دربردارنده تاریخ حکومت‌های محلی دکن است. مؤلف در این بخش، بیشتر مطالب خود را از تاریخ فرشته نقل کرده است. به همین دلیل تفاوت چندانی میان مطالب این دو منبع در این بخش وجود ندارد. با این همه، خافی خان در یادکرد از برخی جزئیات، مانند مطالب مربوط به اختلافات گروه‌های مختلف جامعه دکن همچون آفاقی‌ها و دکنی‌ها نسبت به تاریخ فرشته مفصل‌تر و دقیق‌تر بحث کرده است که در این زمینه اثری ارزشمند است. نثر این کتاب در مقایسه با تاریخ فرشته و حدیقة العالم روانی و شیوایی بیشتری دارد. این کتاب که به زبان فارسی است در سال ۱۸۶۹م، در بنگاله چاپ شده است.

### ۱-۳-۷. جهانگیرنامه / توزک جهانگیری

کتاب جهانگیرنامه تألیف محمد سلیم ملقب به ابوالمظفر نورالدین محمد جهانگیرشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) است. موضوع کتاب شرح رویدادهای روزانه حکومت جهانگیر به قلم خود اوست. وی یک بار آن را در سال ۱۰۲۶ق، به پایان برد؛ اما سپس تا رویدادهای سال ۱۰۳۱ق، را بدان افزود، پس از آن کار نگارش کتاب را به معتمدخان سپرد که از بزرگان دربارش بود و او این کتاب را تا حوادث سال ۱۰۳۳ق، ادامه داد.

این کتاب که حوادث هفده سال نخست حکومت جهانگیر را دربرمی‌گیرد، از معتبرترین منابع این دوره است، چون نویسنده آن شخص سلطان بوده و طبعاً از همه اوضاع کشوری و لشکری اطلاع داشته و مطالب کتاب را بدون امید هیچ‌گونه سود و زیانی، صریح و بنابر واقعیت نوشته است. به علاوه، درباره شخص سلطان نیز همه معایب و محاسن را نگاشته است، حتی مطالبی نوشته که می‌توانند باعث وهن او شوند. در مجموع می‌توان گفت مؤلف از مسیر درستی و حقیقت منحرف نشده است. برای مثال توطئه‌هایی را که او در قتل ابوالفضل علامی از بزرگان دربار گورکانی کرده، به صراحت نوشته است. از آنجا که نخستین برخوردهای سیاسی و نظامی حکومت‌های محلی شیعه دکن و گورکانیان از زمان حکومت شاه جهان آغاز شده و از این دوره به بعد به‌طور متناوب میان

دو حکومت درگیری نظامی و روابط سیاسی برقرار بوده است، این کتاب متضمن اطلاعات مفیدی درباره عملیات نظامی جهانگیر علیه این حکومت‌ها و روابط میان آنهاست.

### ۱-۳-۸. اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند

این کتاب اثر شیخ ابوالفضل مبارک و یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی دوره سلاطین گورکانی هند است که اطلاعات درخوری درباره جغرافیای هند و آسیای جنوب غربی را نیز دربردارد. شیخ ابوالفضل در سال ۹۵۷ق، در آگره متولد شد و به واسطه پدرش که از درباریان حکومت گورکانیان بود، به دربار اکبرشاه گورکانی راه یافت و توانست در این دربار رشد کرده و به مقامات بالای نظامی دست یابد. افزون بر این، شیخ همواره مشاور اکبرشاه در انتظام و اداره امورات ملکی و حقوقی و فرهنگی امپراتوری بزرگ هندوستان بود، به طوری که همه اطرافیان - حتی شاهزادگان - از این موقعیت احساس حسد و ناراحتی می‌کردند. سرانجام همین حسادت‌ها باعث مرگ شیخ ابوالفضل شد. مرگ شیخ ابوالفضل در سال ۱۰۱۱ق، اتفاق افتاد. وی در این سال بنا به دستور اکبرشاه به مأموریت دکن رفته بود و قلعه عظیم‌گره را گشوده و فاتحانه عازم مراجعت به دربار اکبری بود، راجه نرسنگه دیو از قبائل راجپوت، که قلمروش بر سر راه عبور شیخ ابوالفضل بود، به دستور شاهزاده سلطان سلیم، پسر بزرگ اکبرشاه - که خیال می‌کرد شیخ پیش پدرش از وی بدگویی می‌کند و در نتیجه از او سخت متنفر بود - او را به قتل رسانیده، سر شیخ را در الله‌آباد پیش سلطان سلیم فرستاد (مبارک، ۱۳۸۵، مقدمه، ص ۲۲-۳۵).

شیخ ابوالفضل در کتاب اکبرنامه قصد داشته وقایع دوران اکبری، از بدو تولد تا زمان مرگ وی را به نگارش درآورد، ولی پس از نوشتن قسمت‌هایی از کتاب به دلیل کشته شدنش، از ادامه تألیف بازماند و بقیه وقایع عمر اکبرشاه را محب‌علی خان به شیوه‌ای نزدیک به سبک او، تکمیل کرده و خاتم شیخ را در آخر کتاب آورده است.

اصل کتاب اکبرنامه در سه جلد تألیف شده است. جلد اول اکبرنامه مشتمل بر شرح احوال خاندان و اجداد اکبرشاه است از حضرت آدم (علیه السلام) تا همایون پادشاه، که در سه بخش تنظیم یافته است: بخش اول: در خصوص بشارات غیبی در مورد تولد اکبرشاه؛ بخش دوم ذکر فتوحات و وقایع دوران امیر تیمور گورکان تا مرگ عمر شیخ میرزا، پدر بابرشاه؛ بخش سوم شامل وقایع سلطنت بابرشاه تا مرگ همایون پادشاه. جلد دوم دربردارنده وقایع میان سال‌های ۹۶۳ق، یعنی

ابتدای جلوس اکبرشاه تا سال ۹۸۰ق، است. وقایع جلد سوم از ابتدای سال ۹۸۰ق، شروع شده و با مرگ اکبرشاه در سال ۱۰۱۴ق، خاتمه می‌یابد.

اکبرنامه شیخ ابوالفضل یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی دوره سلاطین گورکانی هند، و به موازات آن یکی از مآخذ مهمی است که در نگرش مجدد به تألیف تاریخ دوره صفوی حائز اهمیت است. وی در اکبرنامه افزون بر پرداختن به شرح وقایع و رخدادها، تاریخی دوران سه نفر از نخستین پادشاهان این دودمان، عنایت خاصی به مسائل جنبی دارد که تا آن زمان پرداختن به آن رسم نبوده است. مؤلف درباره شرح حال رجال که در این دوران به گونه‌ای از ایران روگردان شده و به هندوستان آمده‌اند، مطالب درخوری مطرح می‌کند. از ویژگی‌های دیگر این کتاب، اطلاعات ارزشمندی است که درباره ولایات هندوستان، افغانستان و ماوراءالنهر... که این اثر را به صورت یکی از منابع مهم جغرافیای تاریخی درمی‌آورد.

شیخ ابوالفضل تاریخ‌نگاری است که به گزارش فتوحات و شرح توفیقات ولی نعمت خود بسنده نمی‌کند، بلکه هم‌زمان با دادن گزارش‌های دقیق از شرح رویدادهای سیاسی، از بیان تاریخ اجتماعی هم غفلت نورزیده است، امری که در عرف آن دوره چندان مورد توجه مورخان نبوده است. وی با قلم ساده و روان خویش اطلاعات خوبی از ترجمه حال اجله آن روزگار و مسائل مربوط به آنها به دست می‌دهد، برای مثال، در ضمن شرح حادثه مرگ بابر پادشاه، نظری هرچند کوتاه، به شرح حال رجال علمی و فرهنگی این دوره دارد و اطلاعات مختصر و مفیدی در ترجمه حال چند تن از این رجال، از جمله: میر ابوالبقا، شیخ زین صدر، سلطان محمد کوسه، مولانا شهاب‌الدین معمایی شاعر، مولانا یوسفی طیب، ملا بقائی شاعر، خواجه نظام‌الدین علی خلیفه و میرخواند مورخ، در اختیار خواننده قرار می‌دهد (همان، ص ۵۵). شیخ ابوالفضل در ضمن بیان حوادث تاریخ سیاسی به آداب و رسوم مسلمانان و هندوها در این دوره در شبه قاره هند توجه ویژه‌ای داشته و در جای جای کتاب خود اشاراتی به این آداب و رسوم دارد که این اشارات در پژوهش‌های فرهنگی در رابطه با مسلمانان و هندوها در شبه قاره هند بسیار مفیدند. برای نمونه او جشن ختنه‌سوران اکبرشاه و پسران او را به گونه‌ای درخور و شنیدنی شرح می‌دهد و این مراسم را با مراسمی در ایران مقایسه می‌کند (همان، ص ۳۶۵-۳۶۷).

از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخی کتاب حاضر، داشتن متن کامل نامه شاه طهماسب به محمدخان تکلو، حاکم خراسان و لله سام میرزا، برای استقبال و مهمان‌نوازی از همایون پادشاه

است که بر اثر شکست از شیرشاه افغانی و بی‌وفائی برادران خویش، روی به دربار شاه صفوی آورده بود. در این نامه همه جزئیات مهمان‌نوازی از مبدأ حرکت همایون پادشاه تا رسیدن به قزوین جزء به جزء به نگارش درآمده و مطالعه آن، بیش از دیگر منابع مشابه، خواننده را با آداب و رسوم مهمان‌نوازی آن دوران آشنا می‌کند (همان، ص ۳۰۷-۳۱۷).

شیخ ابوالفضل در کتاب خود اشاراتی نیز به آداب و رسوم دوران شاه‌طهماسب صفوی در تبریز دارد. برای نمونه وی ضمن شرح آذین‌بندی شهر تبریز توسط مردم به خاطر ورود همایون‌شاه به این شهر، صحبت از صدور مجوز جهت برگزاری گرگ‌دوانی و چوگان‌بازی می‌نماید (همان، ص ۳۲۴).

پرداختن به مسائل کشت و تولید محصولات کشاورزی و برخی سنت‌های هندوها، مثل خودسوزی زنان پس از مرگ شوهران و همچنین اعتقادات عامیانه و... (ر.ک: همان، مقدمه، ص ۵۷-۶۰) از جمله دیگر مواردی است که شیخ ابوالفضل در تألیف اکبرنامه به آن توجه داشته و در مطالعه فرهنگ و تمدن این منطقه بسیار مفید است.

### ۱-۳-۹. بادشاه‌نامه

این کتاب تألیف محمدامین قزوینی، مشهور به امینای قزوینی است. مؤلف از ایرانیانی بود که به هند مهاجرت کرد و در سمت مورخ و منشی دربار شاه‌جهان خدمت کرد. او به دستور شاه‌جهان مأمور شد تاریخ رسمی و دولتی عصر شاه‌جهان را بنویسد. وی در سال ۱۰۴۷ق، نگارش تاریخ ده سال نخست سلطنت شاه‌جهان را به پایان رساند. قبل از نوشتن قسمت دوم آن، شاه‌جهان که می‌خواست نگارش این کتاب مثل کتاب اکبرنامه ابوالفضل علامی باشد، ادامه این کار را به عبدالحمید لاهوری سپرد. او تاریخ دو دهه نخست حکومت شاه‌جهان از سال ۱۰۳۷ تا ۱۰۵۷ق، را تحت عنوان بادشاه‌نامه (شاه‌جهان‌نامه) نوشت و پس از آن به واسطه کهولت سن از ادامه کار دست کشید. ادامه کار را تا سال ۱۰۶۸ق، محمد وارث لاهوری، شاگرد عبدالحمید لاهوری انجام داد. از امتیازهای این کتاب آن است که مؤلفان تمام فرمان‌ها و فتح‌نامه‌ها را عیناً ذکر کرده‌اند. این کتاب اشاراتی به اختصار درباره قطب‌شاهیان و دیگر حکومت‌های شیعه دکن در این دوره دارد، که از جهت روابط میان این حکومت‌ها با بابرین در دوره شاه‌جهان و شرح جنگ‌هایی که شاه‌جهان با این حکومت‌ها انجام داد و به‌ویژه بیان تعهدنامه‌ها و فتح‌نامه‌های مربوط به برخوردهای شاه‌جهان با قطب‌شاهیان دارای اهمیت بسیار است.

### ۱-۳-۱۰. حدائق السلاطین فی کلام الخواقین

تألیف علی بن طیفور بسطامی. علی به همراه پدر و برادرانش در بیست و سومین سالِ جلوس سلطان عبدالله قطب‌شاه (۱۰۳۵-۱۰۶۸ق) یعنی در سال ۱۰۵۸ق، به حیدرآباد آمد (انصاری، ۲۵۳۵، ص ۲۱). وی که در حدود سال ۱۰۵۸ق، در بسطام متولد شده بود، علوم متداول را نزد پدر و استادانی چون شیخ رضی الدین حسینی تفرشی و علامه محمد بن خاتون عاملی آموخته بود. ابن طیفور سال‌های پر ارزش زندگی خود را در حیدرآباد و در دوران حکومت سلطان عبدالله قطب‌شاه سپری کرد (همان، ص ۵۶).

حدائق السلاطین فی کلام الخواقین که ابن طیفور آن را در سال ۱۰۹۲ق، به نگارش در آورد به علت تشابه نام و تفاوت کم با حدیقة السلاطین خواجه نظام‌الدین احمد بن عبدالله ساعدی شیرازی، باعث شده گاه علاقه‌مندان به تاریخ این دو کتاب را با هم اشتباه بگیرند. حدائق السلاطین فی کلام الخواقین تذکره‌ای مشحون از شرح حال اشخاص برجسته است که در صفحات تاریخ مقامات بلندی را دارا بوده‌اند. مؤلف از هر سلسله، از پیشدادیان و کیانیان گرفته تا قطب‌شاهیان، چند نفر افراد برجسته را برگزیده و شرح حال آنها را بیان کرده است و در پایان نیز به شرح حال برخی وزرای شاخص پرداخته است. از تنوع مطالب حدائق السلاطین روشن می‌شود که مؤلف در علوم و فنون متداوله عصر خود متبحر و صاحب نظر بوده است.

علی بن طیفور در نگارش این کتاب به منابعی نظر داشته که خود به نام آنها را در متن کتاب اشاره می‌کند. برخی از این منابع عبارت‌اند از: تاریخ حبیب السیر، تاریخ المعجم فی ملوک العجم، تاریخ عالم آراء، تاریخ بهمنیه، تاریخ قطب‌شاهیه، لب التواریخ، دستور الوزرا، تحفه سامی، تذکره هفت اقلیم امین احمد رازی و تذکره دولت شاهی.

این اثر که از نظر محتوا می‌تواند به‌عنوان دائرةالمعارفی متشکل از تاریخ و شرح حال افراد مورد استفاده قرار گیرد، شامل یک مقدمه و سه حدیقه است و هر حدیقه نیز به بخش‌های کوچک‌تری به نام «طبقات» تقسیم شده و سرانجام با یک باب، خاتمه می‌یابد. حدیقه دوم این کتاب در خصوص چند تن از سلاطین مسلمان داخل و خارج از هند است که شامل بعضی از سلسله‌های پادشاهان دکن همچون بهمنیان، عادل‌شاهیان و قطب‌شاهیان نیز می‌شود. حدیقه سوم درباره برخی وزرای برجسته و مهم سلسله‌هایی است که در بخش‌های پیشین در مورد آن سخن رفته است. البته گفتنی است که در این کتاب از کلیه پادشاهان حکومت‌های شیعه مذهب